

نیایش‌های آسمانی

دکتر مرگان احمدزاده
منصوره جورابچیان
سیدخلیل حسینی عطار

www.ketab.ir

www.ketab.ir

نیایش های آسمانی

دکترمژگان احمدزاده • منصوره جورابچیان • سیدخلیل حسینی عطار

ویراستار: نفیسه محمدزاده

سر ویراستار و مدیر داخلی: سیدخلیل حسینی

چاپ اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۵-۴۹-۴

حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.

۲۴,۵۰۰ تومان

انتشارات محقق

مشهد، خیابان دانشگاه، خیابان اسرار، مقابل

دانشکده علوم، پلاک ۵۳، تلفن: ۰۹۱۵۱۱۶۳۱۰۰

hoseini.sevedkhalil@gmail.com

انتشارات



فهرست مطالب

۹	یادداشت
۱۳	به جای مقدمه
۱۵	دیده‌گاه‌ها
۱۷	نقدی بر رمانه‌ی امام سجاد (ع)
۳۵	آثار
۳۷	۱- گزیده‌ی سخنان کوتاه
۴۳	۲- گزیده‌ی سخنان الهی و تقوی
۴۹	۳- صحیفه‌ی نادیه
۵۱	۳-۱ عشق
۷۸	۳-۲ نیاز
۱۲۹	۳-۳ آگاهی
۱۵۶	۳-۴ جهاد
۱۷۹	کتابنامه

محیفه، کتاب جهاد در تنهایی است و سخن گفتن در سکوت و سنگر گرفتن در سخت و فریاد زدن در خفقان و آموختن بآلب‌های دوخته و سلاح گرفتن یک خلع سلاح شده... و با این همه یک کتاب دعا! چه، نیایش. که به قول الکسیس کارل، تجلیم عشق است و فقر و اسلام برای این دو، آگاهی را نیز افزود. در مکتب امام سجاد (ع). بعد از درس می‌گردد و آن نقش ویژه‌ی اجتماعی آن است و توسل بدان، از سوی حق پرستان مومن و عدالت خواهان مسئول و خودآگاهان مجاهدی که هیچ امکانی برای طرح عقیده و دفاع از حقیقت و مبارزه با قدرت باطل ندارند و هروسیله‌ای را در راه تحقق مسئولیت فکری و اجتماعی شان از آنها گرفته‌اند، نشانه‌ی آن است که شیعه حتی در دعا مسئولیت اجتماعی دارد، نه که مسئولیت اجتماعی اش تنها در دعا است.

این است که در یک کلمه می‌توان گفت که: در مکتب امام سجاد (ع) در عین حال که جلوه‌گاه عمیق‌ترین آگاهی‌هاست و شورانگیزترین شته‌ها و متعالی‌ترین نیازها، برای او و برای هر کسی که در مکتب امامت، درس زندگی و معنویت، پیروی و سرمشق بودن و اندیشیدن و کار کردن می‌آموزد، زبانی است، در پس لب‌های دوخته، برای حرف زدن و نیز برای حرف‌ها را زدن!

۲

وامام سجاد (ع) - یک تن - یک تنها، روحی بزرگ، مجروح، لبریز از درد، در وطن خویش غریب و در عین حال، شاهد همه چیز، آگاه، بینا و مسئول.

امام آری، امام. انسان‌های فردا، برای چنین شرایطی و در چنین عصری و با چنین ضعف و شکست و غربتی نیز، به یک نمونه‌ی عملی و به یک آموزگار فکری محتاجند.

در تاریخ، اگر که انسان آگاه و مسئول، سرگذشتی همه داغ و خون و شکست را پشت سر گذاشته باشد و به دردناک‌ترین سرنوشت تنهایی و عجز مطلق رسیده باشد و در برابر قدرت مطلق حاکمیت قرار گرفته باشد و خلق را سراسر رام شمشیر و فریب ببیند و خود را یک غریب تنها، بدلی، شکار از درد و خاطره‌ای لبریز از داغ و گذشته‌ای سراسر شکست و حالی محکوم به سحر، باد است‌های خالی، زبانی بریده، لبی دوخته، پایی فلج و حلقومی در چنگال‌های وحشی دشمن، باز هم مسئول است که مسئولیت زاده‌ی توانایی نیست، زاده‌ی آگاهی است و زاده‌ی انسان نیست...